

گفتار نظام الملک در حال نزع

چون نظام الملک در نزع اوفتاد
گفت الهی می‌روم در دست باد
خالقا، یارب، به حق آنک من
هرکرا دیدم که گفت از تو سخن
در همه نوعی خریدارش شدم
یاری او کردم و یارش شدم
بر خریداری تو آموختم
هرگزت روزی به کس نفروختم
چون خریداری تو کردم بسی
هرگزت نفروختم چون هر کسی
دردم آخر خریداریم کن
یار بی‌یاران توی، یاریم کن
یارب آن دم یاریم ده یک نفس
کان دمم جز تو نخواهد بود کس
دیده پر خون دوستان پاک من
چون بیفشاند دست از خاک من
تو بده دستی در آن ساعت درست
تا بگیرم دامن فضل تو چست